

An Analysis of the Relations Between the *Anṣār Allāh* Movement and Salafi Sub-Currents in Yemen

Iman Mohammadi¹, Masood Moeinipour²

¹ Ph.D., Student, Department of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding author).
imanmohammadiir@gmail.com

² Associate Professor, Department of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
Masood.moeini@gmail.com

Abstract

The objective of the present research is to examine how *Anṣār Allāh* interacts with Salafism (*Salafīyyah*) and the numerous tendencies beneath it in the recent decade, and to extract the reasons for the disparity in these interactions. In this regard, utilizing the offense-defense theoretical framework, which is a sub-theory within defensive realism, it is demonstrated that the *Anṣār Allāh* movement, by defining a religious identity structure and determining a historical geography for the *Zaydiyyah* sect in the north of this country, has evaluated any activity of Salafī thought in this region as a threat and has selected the most severe form of confrontation to interact with them; however, in other regions under the control of *Anṣār Allāh*, this movement has defined security within a framed interaction, and by establishing contracts and agreements of solidarity and interaction with non-political and non-jihadi (*jihādī*) Salafis, seeks to elevate its own security structure. This approach has caused the formation of a type of interaction between *Anṣār Allāh*, as a current formed from the core of *Zaydiyyah*, with the Salafī sub-currents in Yemen, beneath which relations and interactions flow and must be taken into consideration in any measure.

Keywords: Yemen, Yemen's *Anṣār Allāh* movement, *Zaydiyyah* sect, Salafism (*Salafīyyah*), defensive realism.

Received: 2025-03-28 ; Received in revised form: 2025-06-06 ; Accepted: 2025-06-23 ; Published online: 2025-10-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2015961.2155>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تحلیلی بر مناسبات جنبش انصارالله و خرده جریان‌های سلفیت در یمن

ایمان محمدی^۱، مسعود معینی‌پور^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). imanmohammadiir@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. Masood.moeini@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی تعامل انصارالله با سلفیت و گرایش‌های متعدد ذیل آن در دهه اخیر و استخراج چرایی تفاوت این تعاملات است. در این راستا، با استفاده از چارچوب نظری تهاجم-دفاع که یک زیرنظریه در رئالیسم تدافعی است، نشان داده می‌شود که جنبش انصارالله با تعریف یک ساختار هویت مذهبی و تعیین جغرافیای تاریخی برای مذهب زیدیه در شمال این کشور، هرگونه فعالیت تفکر سلفی در این محدوده را تهدید ارزیابی کرده و شدیدترین صورت برخورد را برای تعامل با آن‌ها برگزیده است؛ اما در مناطق دیگر تحت کنترل انصارالله، این جنبش، امنیت را در تعامل چارچوب‌مند تعریف کرده و با ایجاد قراردادهای توافق‌های همبستگی و تعامل با سلفی‌های غیرسیاسی و غیرجهادی، به دنبال بالا بردن ساختار امنیتی خود است. این رویکرد باعث شکل‌گیری نوعی تعامل میان انصارالله به عنوان جریان شکل گرفته از بطن زیدیه با خرده جریان‌های سلفیت در یمن شده که مناسبات و تعاملات در ذیل آن به جریان می‌افتند و در هرگونه اقدام باید مد نظر قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: یمن، جنبش انصارالله یمن، مذهب زیدیه، سلفیت، رئالیسم تدافعی.

استناد به این مقاله: محمدی، ایمان؛ معینی‌پور، مسعود (۱۴۰۴). تحلیلی بر مناسبات جنبش انصارالله و خرده جریان‌های سلفیت در یمن. سیاست

متعالیه، ۱۳(۳): ۳۰۷-۳۲۱. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2015961.2155>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

هویت مذهبی کشور یمن را با جمعیت حدود ۴۰ میلیون نفری، مذاهب و گرایش‌های دینی متعددی شکل داده‌اند که می‌توان از جمله آن‌ها به شیعیان زیدی، اسماعیلی و بخش بسیار اندکی از شیعیان امامی، سلفی‌های تقلیدی، جهادی، جریان اخوان المسلمین، صوفیان باعلوی و... اشاره کرد. به طور کلی حدود ۴۵ درصد از جمعیت یمن را شیعیان با اکثریت زیدیه در شمال غرب یمن شکل داده و بقیه جامعه را اهل تسنن با غلبه شوافع تشکیل می‌دهند. شیعیان زیدی در یمن پس از سقوط دولت پادشاهی متوکلیه در ۱۹۶۲م که بر مبنای تعریف این مذهب از امامت شکل گرفته بود و روی کار آمدن دولت جمهوری سکوکار در یمن شمالی به حاشیه رانده شدند. فشار بر مذهب زیدی باعث شد تا گرایش‌های دینی دیگر از جمله سلفیت که مورد حمایت عربستان بود، در یمن توسعه یابد و دو استان صعده و صنعا که روزگاری مرکز نشر تفکر زیدی در جهان به حساب می‌آمد، با هجوم هزاران طلبه خارجی که برای آموختن گرایش سلفی به یمن آمده بودند، روبرو شود. رهبران جنبش انصارالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با تاثیرپذیری از امام خمینی، تحركات علمی خود را از سال ۱۹۸۳م آغاز کرده و در یک دوره چهار ساله توانستند از گروه‌های چند نفره در مساجد استان‌های صعده و عمران به بازیگری موثر در مناسبات یمن و منطقه غرب آسیا تبدیل شوند. از جمله اقدامات رهبران این جنبش، تقابل با سلفی‌گری در مراکز هویتی زیدیه بود که این تقابل‌ها، سرانجام به اخراج سلفی‌ها از صعده و صنعا و بسته شدن مراکز آموزشی آن‌ها منتهی شد؛ اما این برخورد انصارالله مرتبط با مناطق شمالی یمن است و در مناطق غیرزیدی این کشور که پس از انقلاب ۲۰۱۴ به دست جنبش انصارالله افتاد، رفتارها تغییر کرد و برخورد سخت و شدید جای خود را به توافقات همزیستی با سلفیت داده است. پژوهش پیش‌رو درصدد است به بررسی تحلیلی مناسبات و ارتباطات جنبش انصارالله و هویت‌های سلفی موجود در یمن پرداخته و چرایی تفاوت برخوردها در جغرافیای متفاوت یمن را استخراج نماید. در این راستا، از چارچوب نظری تهاجم-دفاع که از زیرنظریه‌های رئالیسم تدافعی با تعریف نئوکلاسیک است، استفاده شده است. مطابق این نظریه، برخورد انصارالله با سلفیت به سه صورت، تهاجم همیشگی، تهاجم در مناطق هویت زیدی و تعامل برای امنیت تقسیم شده است. براساس این نظریه، جنبش انصارالله با تمرکز بر هویت زیدی و تعریف جغرافیای مختص آن، برخورد با مکاتب سلفی را بازتعریف کرده است؛ به صورتی که درون این جغرافیا، اجازه هیچ‌گونه فعالیتی را به سلفیت نمی‌دهد تا تهدیدهای هویتی را از بین ببرد؛ اما در مناطق دیگر تحت کنترل این جنبش که زیدیه دارای هویت تاریخی نمی‌باشد و از نظر جمعیتی نیز در اقلیت قرار دارد، با نگاه امنیتی و با توجه به خوانش مذهبی به سلفی‌های غیرجهادی و غیرسیاسی، اجازه فعالیت داده شده

است که در ادامه پس از تشریح گرایش‌های سلفیت و زیدیه در یمن، در دو بخش با محوریت جغرافیای هویتی زیدیه، رویکرد انصارالله تشریح خواهد شد.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش پیش‌رو، نظریه تهاجم-دفاع می‌باشد که از زیرنظریه‌های رئالیسم تدافعی با تعریف نئوکلاسیک است. فرانظریه رئالیست تدافعی از منظر نئوکلاسیک‌ها هرچند فضای جهان را آنارشیک می‌داند، اما آن را بی‌خطر دانسته و هزینه توسعه‌طلبی در آن را بسیار گزاف ارزیابی می‌کند. در این فضا، امنیت، بالاترین هدف بازیگران خواهد بود. این فرانظریه، دل‌مشغولی دولت‌ها را نه به حداکثر رسانیدن قدرت و توسعه هژمونی، بلکه حفظ موقعیت آن‌ها در نظام بین‌الملل می‌داند. بنابراین، دستیابی به امنیت بالاترین هدف دولت‌ها می‌باشد و به کار بردن قدرت برای دستیابی به موقعیت هژمون را برهم زننده موازنه قوا و ساختار امنیت نظام بین‌الملل می‌داند (Waltz, 1979: p. 126). نظریه‌های متعددی از جمله موازنه تهدید و الت، بسیج داخلی کریستنس در ذیل رئالیسم تدافعی دسته‌بندی می‌شود؛ اما در پژوهش حاضر از چارچوب تهاجم-دفاع استفان وان اورا استفاده شده است. این نظریه قائل است که تهاجم و توسعه‌طلبی مصداق خودزنی است و فقط در زمانی صورت می‌گیرد که تهدید مستقیمی وجود داشته (و چاره‌ای جز تهاجم نباشد) و با طرف مقابل، ملاک‌های موازنه را به طور کلی از دست دهد (Lobell, 2010: p. 6658-6659). این نظریه برای بررسی روابط بین دولت‌ها و برای تشریح ساختار امنیت منطقه‌ای ایجاد شده؛ اما نبود قوه فائده و تنوع بازیگران مذهبی در یمن و قابلیت تعریف جغرافیای مرتبط با هر بازیگر، امکان استفاده از نظریه مذکور در این پژوهش را ممکن کرده است.

۲-۱. جریان‌شناسی سلفیت و زیدیه در یمن

جامعه حدود ۴۰ میلیونی یمن را گرایش‌های متعددی دربرمی‌گیرد که از این میان، حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد را زیدی مذهب‌ها با غلبه جمعیتی در شمال غرب یمن و بقیه را اهل تسنن با اکثریت پیروان مذهب شافعی دربرمی‌گیرند (صبری، ۲۰۲۰: ص ۲۰۲-۲۰۳). در مناطق تحت کنترل انصارالله در یمن که حدود ۷۰ درصد جامعه یمن را تشکیل می‌دهد، بیشترین تقابل بین رهبران زیدی جنبش با پیروان سلفیت صورت گرفته است.

۲-۱-۱. زیدیه در یمن

شمال یمن از نظر تاریخی به دلیل چهار دوره حکومت زیدی از قرن سوم هجری قمری تاکنون، خاستگاه

زیدیه در شبه جزیره حجاز به حساب می‌آید. از مبانی اصلی مذهب زیدیه، عدم حصر امامت شیعه در تعداد معین است. لذا، امام از نظر این مذهب، بر هر سید فاطمی (حسنی یا حسینی)، عالم، سخی، شجاع و... اطلاق می‌شود که علیه ظلم و فساد قیام نماید (الجهنی، ۱۴۲۰ق: ص ۷۸). ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری در این مذهب از شروط امام و قیام برای از بین بردن فساد و ظلم، وظیفه ائمه زیدی است. از اصول اصلی امامت در زیدیه، قیام به سیف بر علیه دشمنان دین خدا است. البته قیام در اندیشه زیدی‌ها براساس تاکید این مذهب بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان پنجمین اصل از اصول مذهب زیدیه به یکی از مشخصات اصلی امام تبدیل شده است (المویدی، ۱۹۹۸م: ص ۱۶۱-۱۶۴). براساس این تقریر از امامت، امامان زیدی اولین بار در سال ۲۸۴ق توسط هادی الی‌الحق، حکومتی را در صعده یمن و اطراف آن تأسیس کردند. حکومت ائمه زیدی، چهار دوره را تجربه کرده که آخرین آن‌ها، منصور بالله پس از سقوط عثمانی توانست دولت خود را در ۱۹۱۸م. تشکیل دهد (جزیلان، ۱۹۸۷: ص ۲۱۱-۲۱۷) و در نهایت در سال ۱۹۶۲م. با سقوط دولت متوکلیه- انقلاب ۲۶ سپتامبر- در یمن شمالی، حکومت امامت در زیدیه به طور رسمی پایان یافت و جمهوری عربی یمن در مناطق شمال تأسیس گردید (جولوبوفسکایا، ۱۹۸۲: ص ۲۶۷-۲۷۰). زیدی‌های کنونی در یمن، هادوی (منسوب به هادی الی‌الحق) بوده و این مذهب را ذیل خوانش جارودیه، نزدیک‌ترین خوانش به مذهب اثنی عشری دنبال می‌کنند.

۲-۱-۲. سلفیت در یمن

سلف در لغت به معنای گذشتگان و در اصطلاح به روشی اطلاق می‌شود که با اقتداء کامل به گذشتگان صالح سه قرن اول اسلام (خلفاء، تابعین و تابعین التابعین) در عمل، فهم دین و برداشت از نصوص را بهترین روش زندگی می‌داند، نص‌گرایی حداکثری دارد و راه رسیدن به توحید را خالص شدن از بدعت‌ها در عقیده و عمل می‌داند و برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند (احمدی، ۱۳۹۹: ص ۵۴-۶۲). اهمیت دادن به گذشتگان و تلاش برای بزرگ‌نمایی موفقیت‌ها و عدم توجه و بعضاً توجیه اشتباهات آن‌ها هرچند یک مسئله روان‌شناختی است که جامعه‌شناسان نیز از آن بهره می‌برند؛ اما فاصله گرفتن از دوران پیامبر (ص) و بوجود آمدن سوالات متعدد در جامعه اهل سنت که قائل به امام زنده نبودند و متن قابل تفسیر به صورت‌های متعدد قرآن کریم، علاوه بر تثبیت سیاسی جهان اسلام از زمام معاویه به بعد و همچنین وجود برخی ادله روایی همچون روایت حضرت رسول اکرم (ص) مبتنی بر برتری سه قرن اول مسلمانان بر دیگر مسلمین را می‌توان از محرکه‌های اصلی نیل بخشی از جامعه اهل سنت به سمت سلفی‌گری برشمرد (شرفی، ۱۳۹۷:

ص ۱۹۰-۱۹۵). این برداشت از اسلام که یک خوانش سنتی محسوب می‌شود، در مسیر تکامل خود سه دوره اصلی به رهبری احمد بن حنبل در قرن ۹ میلادی، احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه در قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی و محمد بن عبدالوهاب در قرن ۱۸ میلادی را با تاکید بر توحید و رد بخشی از عقاید دیگر فرق اسلامی همانند توسل، زیارت اهل قبور، شفاعت و... گذرانده است (عماد، ۲۰۱۳م: ص ۹۵-۹۷). در این میان، ابن تیمیه نقش ویژه‌ای در تثبیت و توسعه این اصطلاح ایفا کرده است. وی در اولین کتاب پر سر و صدای خود با عنوان «ما قول الساده العلماء الدین فی آیات الصفات» به آیاتی که به جسم داشتن خدا اشاره دارد پرداخته و تأویل آن‌ها را نپهی می‌کند و در استدلال می‌گوید: «محال است که خداوند پیامبرش را برای هدایت فرستاده باشد، اما سخن روشنی نگفته باشد که احتیاج به تأویل دیگران داشته باشد. اینکه سلف ما در قرون اول نسبت به این آیات سوال نکرده‌اند، روشن می‌کند که این آیات هیچ گونه ابهامی نداشته، وگرنه صحابه که از بهترین امت حضرت رسول(ص) بوده‌اند، پرسیده و به ما می‌رسید... کسانی که راه تأویل را پیش می‌گیرند، فهم خلف را بر سلف اولویت داده‌اند و این بدعتی آشکار است...». این گفتار به خوبی نگاه سلفیت را تشریح می‌کند. اما کتابی که منجر به تثبیت سلفیت به عنوان یک نگرش در اسلام شد، کتاب «الفتوی الحمویة الکبری» ابن تیمیه است که به اقرار سلفی‌پژوهان، نقش غیرقابل انکاری در ترویج و تثبیت سلفیت داشته است. ابن تیمیه به صراحت در این کتاب می‌نویسد: «و اعلم انه لیس فی العقل الصریح و لا فی شیء من النقل الصحیح ما یوجب مخالفة الطريق السلفية اصلا» و با این گفتار، سلفیت را از یک ساختار فهم دین به یک مکتب تبدیل می‌کند (فرمانیان و معینی‌فر، ۱۳۹۵: ص ۴۲-۴۵). این خوانش پس از ابن تیمیه و بویژه در زمان معاصر بواسطه تفاوت در سریان و شریان در امور دینی و شئون زندگی نام‌های متعددی همانند سلفی تقلیدی، جامی یا مدخلی، الحرکی مثل سروریه، جهادی، سیاسی اخوانی و... به خود گرفته است (عماد، ۲۰۱۳: ۱۰۹۴-۱۰۹۵). سلفی‌های فعال در دهه اخیر یمن را می‌توان در چهار قسم بیان کرد. قسم اول، شاگردان مقبل بن هادی الوادعی هستند که به عنوان پدر سلفیت معاصر یمن مطرح است. وی و شاگردانش ذیل تفکر سلفی جامی یا مدخلی قرار می‌گیرند که تاکید زیادی بر تمرکز بر روایات و تصحیح آن داشته و راه بدعت‌زدایی را در این مسیر دنبال می‌کنند. این خرده‌گفتمان سلفیت بر حرمت خروج و فعالیت ضد حاکم اسلامی قائل است. سلفی‌های جامی به دلیل تاکید ویژه بر احادیث، دیگران را به استفاده ابزاری از قاعده جرح و تعدیل برای پیشبرد منافع خود متهم کرده و مدعی هستند باید از حاکم اسلامی، مگر در صورت کفر- که شرایط دشواری نیز برای آن عنوان می‌کنند - تبعیت کرد (همان: ص ۹۸). گروه دوم سلفی‌های یمن، اخوان المسلمین هستند. این گروه که در سال ۱۳۰۵ ق توسط حسن البنا تأسیس شد، به دنبال بدعت‌زدایی و

جاری کردن توحید ناب الهی و در نهایت تأسیس حکومت اسلامی از مسیر تربیتی و مسالمت‌آمیز است (احمدی، ۱۳۹۹: ص ۹۸-۱۰۰). اولین ارتباط یمنی‌ها با اخوان المسلمین به دیدار و ارتباط السید محمد الزباره از نزدیکان امام زیدی با حسن البنا در سال ۱۳۴۸ق. برمی‌گردد؛ اما وحدت دو یمن را می‌توان آغاز حرکت رسمی اخوان المسلمین یمن دانست (عماد، ۲۰۱۳: ص ۱۱۴۳-۱۱۴۴). این حرکت اصلاحی در سال ۱۹۹۰ با همکاری قبیله الاحمر و عبدالمجید الزندان، شخصیت شناخته شده سلفیت، حزب التجمع الیمنی للاصلاح را تأسیس و پس از جنگ ۲۰۱۵ نیز متحد اصلی عربستان در یمن به‌شمار می‌رفتند (شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ص ۲۴-۲۵). بخش دیگر سلفی‌های فعال را جهادی‌ها تشکیل می‌دهند که به دنبال فراگیر کردن توحید الهی و بدعت‌زدایی از دین بواسطه جهاد و حرکت مسلحانه هستند. این خرده‌هویت سلفی به دلیل برداشت‌های جهادی بن لادن از سید قطب تشکیل و به سرعت در نقاط مختلف جهان از جمله یمن گسترش یافت (همان: ص ۲۸). سلفیت جهادی در یمن در سال ۲۰۰۹ با عنوان تنظیم القاعده فی جزیره العرب به طور رسمی اعلام موجودیت کرد و سپس با نام انصار الشریعه در مناطق مرکزی یمن به فعالیتش ادامه داد. از فعالیت‌های این گروه می‌توان به ایفای نقش موثر در حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و انفجار ناو یو.اس.اس. کول آمریکا در ۲۰۰۰ اشاره کرد (احمدی، ۱۳۹۹: ص ۱۵۹-۱۶۰). سلفی‌های دیگر فعال در حوزه یمن را می‌توان زیدی‌های متسلف یا سلفی‌های زیدی برشمرد. این نوع گرایش از اختلاط تفکر شیعی زیدی و نص‌گرایی اهل سنت توسط افرادی همانند ابن الوزير (قرن ۸ قمری)، ابن الامیر صنعانی (قرن ۱۱ قمری) و قاضی شوکانی (قرن ۱۲ قمری) رشد و توسعه یافت و به یک گرایش متوسط بین زیدیه و سلفیت در دوران‌های بعدی تبدیل شد. زیدیه متسلف، گرایشی متشکل از فرهنگ و روش تبلیغ دین زیدی، و عقاید و کتب مورد اعتماد سلفیت است (عمادی، ۱۳۹۴: ص ۱۱-۱۳). برخورد جنبش انصارالله با هر کدام از این گرایش‌ها بسته به جغرافیای فعالیت و نوع نگرش متفاوت است.

۲-۲. انصارالله و تقابل با سلفیت در جغرافیای تاریخی زیدی

مذهب زیدی در یمن دارای تاریخچه و تبار باشکوهی است. امامان زیدی، اولین بار در سال ۲۸۴ق. توسط هادی الی‌الحق، حکومتی را در صعده و اطراف آن تأسیس کردند. حکومت ائمه زیدی تطوراتی را طی چهار دوره حکومتی گذرانده که آخرین آن‌ها، حکومت منصور بالله است. این دوره پس از سقوط عثمانی در سال ۱۳۳۷ق تشکیل شد؛ اما پس از گذشت حدود ۵۰ سال توسط کودتای عبدالله سلال، از شخصیت‌های متأثر از جمال عبدالناصر در ۱۹۶۲م به پایان رسید و همزمان پایان حکومت ائمه زیدی در یمن را رقم زد

(جزیلان، ۱۹۸۷: ص ۲۱۱-۲۱۷). با پایان رسمی حکومت زیدیه و تشکیل دولت سکولار در یمن، عربستان نیز سعی در گسترش تفکر سلفی با ایجاد پایگاه‌ها و مدارس در یمن می‌نماید. فشار دولت علی عبدالله صالح در راستای منع تبلیغ مذهب زیدی و در مقابل، آزادی مذهب سلفی و همچنین خفقان حاصل به خاطر بینش منفی مردم بعد از سقوط دولت امامان زیدی باعث می‌شود تا رهبران مذهب زیدیه همچون بدرالدین الحوثی، مجدالدین المویدی، حمود الموید و دیگران برای از بین بردن این فضا اقداماتی را آغاز نمایند که می‌توان شکل‌گیری جنبش انصارالله را از جمله ثمرات آن مبارزات دانست. بزرگان زیدی و همچنین جنبش انصارالله، فعالیت سلفیت در دژ زیدیه که شامل مناطق شمال و شمال غرب یمن می‌شد را تهدیدی برای موجودیت خود تلقی می‌کردند و در راستای تقابل با تحرکات سلفی‌ها، مبارزات علمی و عملی را دنبال کردند. سید بدرالدین الحوثی به عنوان حامی اصلی ایجاد جنبش انصارالله، کتب، رساله‌ها و سخنرانی‌های متعددی را برای روشننگری جامعه زیدی و تقابل با سلفیت انجام داد؛ لذا، می‌توان او را از مهم‌ترین چهره‌های مبارزه علمی در مقابل سلفیت دانست (شیخ حسینی، ۲۰۲۱: ص ۹). از جمله کتاب‌ها و رساله‌های او می‌توان به «من هم الرافضه؟ ایجاز فی الرد علی الفتاوی الحجاز و عبدالعزیز بن باز»، «الغاره السریعه فی الرد علی الطلیعه»، «تحریر الافکار عن تقلید الاشرار و سلسله الذهب فی رد الوهابیه» اشاره کرد (البقمی، ۱۴۳۶ق: ص ۱۴-۱۹). او در رساله‌ای با نام «من هم الوهابیه؟»، به بیان خصوصیات تفکری سلفیت پرداخته و دلیل نوشتن این رساله را فعالیت‌های مخفی سلفی‌ها برای نشر تفکر وهابیت بیان کرده و از لزوم شناخت تفکر آن‌ها برای مبارزه صحیح سخن گفته است (الحوثی، ۲۰۱۶: ص ۲۴۵). وی همچنین در کتاب «بحوث السدیده» که مجموعه‌ای از رساله‌های او است، تلاش زیادی برای احیای تفکر زیدیه و مقابله با شبهات سلفیت کرده است. شهید سید حسین الحوثی، رهبر و بنیانگذار جنبش انصارالله نیز در مسیر مبارزه علمی با سلفیت تلاش زیادی کرد و دروسی را از سال ۲۰۰۱ در صعده و مدرسه امام هادی منطقه مُرّان به صورت جداگانه آغاز نمود که این سلسله درس‌ها با عنوان «دروس من هدی القرآن»، علاوه بر تبیین عقاید و تفکرات زیدی، به نقد سلفیت نیز پرداخته و همگان را به مبارزه با این تفکر دعوت می‌کرد (شیخ حسینی، ۲۰۲۱: ص ۱۴). اما رهبران جنبش انصارالله به مبارزه علمی بسنده نکردند و به صورت عملی به سوی اخراج سلفی‌ها از جغرافیای زیدی حرکت کردند. یمن بدلیل همجواری با عربستان، همیشه با چالش سلفیت مواجه بوده است؛ اما پس از سقوط دولت امامیه در شمال یمن، فعالیت سلفیه در مناطق زیدی شکلی دیگر به خود گرفت و قدرت، نفوذ و فعالیت سلفی‌ها در شمال یمن تا جایی پیش رفت که عبدالمجید الزندانی به عنوان یک شیخ سلفی اخوانی، مرکزی با نام «جامعه الایمان» در صنعا تأسیس کرد که در دوره‌ای بیش از ۲۰ هزار

طلبه داشت و مقبل بن هادی الوادعی نیز دارالحديث دماج را با بیش از ۴ هزار طلبه از سراسر جهان در استان صعده تأسیس کرد و توسعه داد (المركز العربی للابحاث و الدراسات، ۲۰۱۳: ص ۱). اتفاقات در جریان باعث شد تا هسته اولیه جنبش انصارالله با هدف احیای تفکر زیدی و تقابل با تحركات روزافزون سلفیت، در مساجد استان صعده ایجاد شود. شیخ صلاح احمد فلیته درسی را در صعده برای جوانان این استان آغاز و محمد بدرالدین الحوثی نیز او را یاری می‌کرد. در سال ۱۹۸۶م، اتحاد الشباب، متشکل از همان جوانان شکل گرفت (الدوسری، ۱۴۳۲ق: ص ۹). این گروه پس از گذشت دو سال از اتحاد دو یمن و در سال ۱۹۹۲م. با تلاش محمد یحیی سالم عزان و محمد بدرالدین الحوثی انجمن جوانان با ایمان را با نام «منتدی الشباب المومن» به صورت رسمی ثبت و فعالیتش را قانونی کرد. با خروج سید حسین الحوثی از پارلمان یمن و آغاز فعالیت‌های انقلابی، وی به عنوان رئیس این انجمن اعلام شده و به تدریس مباحث قرآنی و سیاسی پرداخت (عزّان، ۲۰۰۷/۰۴/۱۰). هرچند اقدامات انجام شده روح جدیدی به کالبد زیدیه دمیده بود، ولی حمایت دولت یمن از سلفیه و فشار بر زیدیه باعث آزادی ترویج مسلک سلفی و در مقابل، خفقان مذهب زیدی شده بود. سید حسین الحوثی در بیاناتی پس از درخواست محاکمه عربستان به خاطر ترویج وهابیت و تروریسم در جهان، به نقش دولت یمن و علی عبدالله صالح در حمایت از گسترش تفکر سلفی در شمال یمن و تقابل حکومت با زیدیه و نشر آن می‌پردازد و بردست‌نشانده بودن حکومت وقت تأکید می‌کند (الحوثی، ۲۰۱۰: ص ۱۶۲۷-۱۶۳۳). پس از بهار عربی و برکناری علی عبدالله صالح از رأس حکومت یمن، حرکت زیدیه با فرماندهی رهبران جنبش انصارالله در صعده، وارد جنگ مستقیم با شاگردان مقبل بن هادی الوادعی شده و دارالحديث الدماج را برای چند ماه محاصره کردند که منجر به ترک طلاب داخلی و خارجی آن و بسته شدن این مرکز بزرگ سلفیت صعده در ۲۰۱۳م. شد (الحکیم، ۲۰۱۷: ص ۳۵۳). آن‌ها نسبت به فعالیت‌های سلفی مسلک جامعه الایمان نیز پس از قیام ۲۰۱۴م. و تصرف صنعاء واکنش نشان داده و پس از حمله و تسلط بر مکان دانشکده، آن را تعطیل اعلام کردند (الجزیره، ۲۰۱۴/۰۲/۲۹). موسس و رئیس این دانشکده، عبدالمجید زندانی ابتدا به جنوب فرار کرد و سپس به عربستان رفت و در حال حاضر نیز در ترکیه ساکن است. جنبش انصارالله پس از ۲۰۱۴م. فعالیت اشخاص مطرح با تفکر زیدیه سلفی را نیز محدود کرد که برای اشاره به مطرح‌ترین آن‌ها، می‌توان قاضی محمد اسماعیل العمرانی را نام برد. او از اساتید مطرح در جامعه الایمان، قاضی القضاة در دولت علی عبدالله صالح و همچنین دارای درس و منبر در مدرسه و مسجد الفلیحی در قسمت قدیمی صنعاء بود (ذیبیان، ۲۰۱۶: ص ۲۶-۲۱). انصارالله پس از تسلط بر صنعاء به قاضی العمرانی اجازه محدود داد تا فقط جواب مریدان را در منزل بدهد و وی حق هیچ‌گونه

فعالیت آموزشی نداشت (ابوالمجد، ۲۰۲۱/۰۷/۰۷). وی در سال ۲۰۲۱ فوت کرد. جنبش انصارالله، این روش برخورد در مناطق تاریخی زیدیه را تاکنون ادامه داده و بر تهدید بودن هرگونه تحرک سلفیت در این مناطق تاکید دارد.

۲-۳. انصارالله و سلفیت در مناطق دیگر یمن

جنبش انصارالله با قیام بر ضد عبدربه منصور هادی، جانشین علی عبدالله صالح پس از بهار عربی بر صنعا و سپس مناطق دیگر یمن مسلط شد؛ به صورتی که مطابق اطلاعات، از شروع آتش‌بس در ۲۰۲۲، بیش از ۷۰ درصد مردم یمن در مناطق تحت کنترل انصارالله زندگی می‌کنند (ریدل، ۲۰۲۳/۰۱/۲۷). توسعه مناطق تحت کنترل انصارالله، لزوم ایجاد امنیت و تضمین بقای حکومت تازه تأسیس را به دنبال آورد که از جمله آن موارد، چگونگی مواجهه با سلفیت بود. دولت نجات ملی یمن تحت حمایت انصارالله همچنان برخی از گروه‌های سلفی را برای امنیت خود تهدید دانسته و تقابل و تهاجم را بر ضد آن‌ها دنبال می‌کرد. گروه اول که جنبش انصارالله هیچ وقت به سمت همکاری با آن‌ها حرکت نکرد، گروه انصارالشریعه ذیل القاعده شبه جزیره بودند که تفکر سلفی جهادی را دنبال می‌کردند. انصارالله در راستای سرکوب این گروه در استان‌های ذمار، إب و البیضاء تلاش زیادی کرد. حمله نظامی انصارالله به البیضاء برای سرکوب و اخراج القاعده از این استان در حالی صورت گرفت که این جنبش با قبایل آن استان بر سر امنیت آن‌ها و عدم ورود نظامی به مناطق تحت کنترل قبایل توافق کرده بود؛ اما تحرکات القاعده باعث شد تا انصارالله به قبایل هشدار داده و به صورت گسترده نیروهای خود را به این استان اعزام و گروه انصارالشریعه را به سمت مناطق تحت کنترل ائتلاف عربی به رهبری عربستان عقب راند (العرامی، ۲۰۲۱/۱۲/۱۹). از دیگر گروه‌های سلفی که انصارالله فارغ از جغرافیا، آن‌ها را تهدید ارزیابی کرده و تقابل را به جای همکاری به عنوان راه امنیت خویش انتخاب کرد، اخوانی‌های یمن بودند. حزب اصلاح به عنوان شاخه سیاسی اخوان المسلمین در یمن پس از اخراج سلفی‌ها فشار زیادی بر حکومت یمن آورد تا با حمایت عربستان حمله سنگینی را به مناطق شمالی یمن از جمله صعده ترتیب دهند. همچنین پس از انقلاب یمن در اواخر ۲۰۱۴، اخوان المسلمین یکی از گروه‌های اصلی برای دعوت از عربستان و دیگر کشورهای عربی برای ورود نظامی به یمن بود و به عنوان متحد اصلی ریاض پس از ورود به نبرد یمن شناخته می‌شد (رجب، ۲۰۱۹/۱۲/۲۹). دشمنی دائمی حزب اصلاح باعث شد تا انصارالله نیز اخوان المسلمین را در تمام مناطق تحت کنترل خود، تهدید ارزیابی کرده و رهبران جنبش، آن‌ها را با القاعده در یک خط ارزیابی کرده و تمام مراکز سیاسی و علمی متعلق به این گرایش

سلفی مثل شعبه‌های جامعه الایمان در استان‌های دیگر را تعطیل و یا تخریب کند (أحمد، ۲۰۱۶/۰۱/۱۶). به طور کلی می‌توان گفت که جنبش انصارالله با القاعده به دلیل تفکر تکفیری و با اخوان المسلمین به دلیل همکاری با عربستان و دیگر کشورهای عربی در مواجهه با این حزب در یمن، روش تهاجم و مواجهه را انتخاب کرده است. اما انصارالله برخلاف دو گرایش قبلی سلفیت، روش تعامل و توافق را با سلفی‌های سنتی تقلیدی در مناطق غیرزیدی تحت کنترل خود پیش گرفته و این مسیر را برای تضمین امنیت حکومت صنعا مفید ارزیابی کرده است. بزرگ‌ترین مجموعه‌های سلفی فعال در مناطق جنوب را می‌توان جمعیه الحکمة و جمعیه الإحسان دانست. جمعیه الحکمة الیمانیة الخیریة پس از اختلاف بین مقبل بن هادی الوادعی و شاگردانش از جمله عبدالمجید الیمی، عقیل المقطری، عبدالعزیز الدبعی، الشیبانی، الحداء و... در مسأله ورود به سیاست که الوادعی مخالف آن بود، در نیمه دوم ۱۹۹۰ و با تمرکز بر استان‌های تعز، إب، ذمار تأسیس و به سرعت در مناطق دیگر توسعه یافت. این جمعیه با تأکید بر کارهای آموزشی و خیریه‌ای، حزب خود را با نام حزب السلم و التمیمه تشکیل داد؛ اما پس از اتفاقات ۲۰۱۱ و همچنین انقلاب اواخر ۲۰۱۴ انصارالله دفاتر خود را تعطیل و به انجام امور دینی و خیریه‌ای بسنده کرد. در زمان فعلی، ریاست این حرکت را احمد المعلم در دست داشته و محمد المهدی و عبدالعزیز الدبعی نیز او را یاری می‌کنند (الدغشی، ۲۰۱۴: ص ۱۴۷-۱۵۰). این حرکت که بیشترین تمرکز آن در زمان فعلی در استان‌های ابو ذمار است، بیش از ۱۰ هزار طلبه را در حدود ۱۰۰ مدرسه تحت نظرش اداره می‌کند و با بیش از ۵۰۰ خانواده و ۱۲۰۰ مریض تحت حمایت، در مسائل خیریه‌ای فعال است (جمعیه الحکمة، ۲۰۲۳/۰۲/۰۶).

جمعیه الإحسان الخیریة دیگر گروه سلفی است که پس از دو سال از تشکیل جمعیه الحکمة با جدا شدن چهره‌هایی همچون الیزیدی، العامری و الحاشدی در استان حضرموت شکل گرفت و به سرعت در کل یمن توسعه پیدا کرد. این جمعیت در حال حاضر با حدود ۲۶ مرکز علمی و خیریه‌ای در مناطق تحت کنترل انصارالله، بیشترین فعالیت را در استان‌های البیضاء، تعز، الحدیده و إب دارد (الدغشی، ۲۰۱۴: ص ۲۴۱-۲۴۴). فارغ از این دو مجموعه، دارالحدیث‌هایی نیز توسط شاگردان دیگر مقبل بن هادی الوادعی در مناطق سنتی نشین تحت کنترل انصارالله وجود دارد که ذیل تفکر سلفی جامی فعالیت کرده و با دو جمعیت فوق‌الذکر همکاری دارد. بزرگ‌ترین این مراکز، دارالحدیث منطقه معبر است که تحت نظر محمد الامام از شاگردان الوادعی و در کنار مسجدی با عنوان «جامع النور» ساخته شده و فعالیت علمی چشمگیری دارد؛ تا جایی که ۱۵۰۰ طلبه مستقر را نیز ثبت کرده است (خشافة، ۲۰۲۱/۱۲/۰۷). سلفی‌های فعال در این دو جمعیت و دارالحدیث‌های فعال در مناطق سنتی نشین تحت کنترل دولت صنعا با توجه به شاگردی الوادعی و

تمرکز بر کارهای خیریه‌ای و علمی ذیل سلفیت جامی تقسیم‌بندی می‌شوند که خروج بر حاکم اسلامی هرچند به زور اسلحه به قدرت رسیده باشد را حرام می‌دانند؛ مگر در صورت کافر بودن حاکم به صورت آشکار که شروط این کفر را نیز به صورت بسیار مشکلی بیان می‌کنند. جنبش انصارالله برخلاف برخورد محکم و قهرآمیز با سلفی‌های جهادی و اخوانی، با پیروان این گرایش بر مبنای مذاکره و توافق، تعامل کرده‌اند. انصارالله اولین بار در ژوئن ۲۰۱۴ تفاهم زندگی مسالمت‌آمیزی را با محمد الامام، رئیس دارالحدیث معبر ذمار و شخصیت پر نفوذ سلفی در استان‌های ذمار و اب امضاء کرد. مطابق این سند، دو طرف توافق کردند هرگونه جنگ، درگیری و فتنه‌انگیزی را با هر شرایط و توجیه کنار بگذارند، لفاظی‌های تحریک‌کننده را ترک و صحبت‌ها و سخنرانی‌های وحدت‌برانگیز انجام دهند و ارتباطات دوطرفه را تقویت کنند، تا از اشتباهات فردی و یا دخالت طرف‌های دیگر جلوگیری نمایند. انصارالله همین سند را با دیگر گروه‌های سلفی فعال همچون جمعیه الحکمة و جمعیه الاحسان با اضافه کردن بندهایی همچون عدم تلاش انصارالله برای مصادره مساجد سلفی‌ها، عدم جایگزینی امامان سلفی با سایر ائمه وابسته به انصارالله و اجرای آزادی اندیشه و فرهنگ در ازای عدم تحریک درگیری‌های فرقه‌ای یا ایستادگی در کنار نیروهای ائتلاف به رهبری سعودی، امضاء کرد. این توافق‌نامه‌ها به دلیل نداشتن مکانیسم اجرایی دقیق در سال ۲۰۱۹ با تشکیل یک کارگروه رسمی ۱۴ نفره (۸ نفر از دولت تحت حمایت انصارالله و ۶ نفر از چهره‌های سلفی) ذیل اداره اوقاف دولت نجات ملی یمن تقویت شد، تا با ایجاد کارگروه‌های فرعی بر اجرای کامل توافقات و برخورد با ناقضان آن اقدام کند (همان). به طور کلی جنبش انصارالله پس از ورود به ساختار حکومت، تشکیل دولت نجات ملی یمن پس از استعفای عبد ربه منصور هادی و ورود به مناطق غیرزیدی، تلاش کرد تا برخوردهای خود با سلفی‌های فعال در مناطق تحت کنترل خود را با سنجش میزان تهدید آن‌ها برای امنیت خود برنامه‌ریزی کند، از این‌رو با سلفی‌های اخوانی که با عربستان بر ضد یمن و قیام ۲۰۱۴ انصارالله اقدام کردند و همچنین با سلفی‌های جهادی که منش تکفیر را برای رفتار خود برگزیده بودند، روش تهاجم و جنگ را انتخاب کرد، اما با سلفی‌های فعال ذیل تفکر جامی در مناطق غیرزیدی، روشی دفاعی برای تضمین امنیت برگزید و با امضای توافق همزیستی، سعی کرد با رسمیت شناختن آن‌ها با چارچوبی مشخص، امنیت و تأیید دولت تحت حمایت خود را کسب کند.

۳. نتیجه‌گیری

رهبران جنبش انصارالله به دلیل فشارهای ایجاد شده بر مذهب زیدی به علت سقوط دولت امامان زیدی

در ۱۹۶۲، تشکیل دولت سکولار، تشدید فعالیت‌های سلفی در مناطق تاریخی زیدیه و... احساس بحران کرد و تلاش‌های علمی و عملی را برای مواجهه با این تهدید برنامه‌ریزی نمود. با توجه به تقسیم سلفی‌های فعال در یمن به سلفی‌های تقلیدی (جامی یا مدخلی)، اخوانی، زیدی‌های متسلف و سلفی‌های جهادی، انصارالله ساختار تهاجم با دفاع در مقابل آن‌ها را بر پایه میزان تهدید، برنامه‌ریزی کرد. از این‌رو، این جنبش هرگونه فعالیت در مناطق تاریخی زیدیه در یمن را تهدید ارزیابی کرده و تمام مراکز فعالیت سلفی را بدون تفاوت در نگرش با استفاده از زور تعطیل و سلفی‌ها را مجبور به هجرت یا خانه‌نشینی کرد؛ اما این رویکرد در خارج از مناطق زیدی‌نشین تفاوت داشت و جنبش انصارالله برخورد خود را مطابق گرایش‌ها تعریف کرد. این جنبش برخورد با سلفیت جهادی را به علت نگرش تکفیری به شدت دنبال کرد و سلفیه‌های اخوانی را نیز به علت همراهی با عربستان در جنگ با یمن، به شدت کویید؛ اما سلفی‌های تقلیدی فعال در مناطق سنی‌نشین تحت کنترل خود را که ذیل مراکز متعدد علمی-خیریه‌ای فعالیت می‌کردند را به رسمیت شناخت و با امضاء کردن توافق‌های متعدد و ایجاد ساختارهای اجرایی، سعی کرد امنیت دولت مستقر خود در صنعا را تضمین کند. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که همکاری جنبش انصارالله با سلفی‌های جهادی به هیچ صورتی متصور نیست؛ اما به نظر می‌رسد، سلفی‌های اخوانی در صورت ترک همراهی ائتلاف به رهبری عربستان و احیای مناسبات خود با دولت نجات ملی یمن، امکان فعالیت همانند سلفی‌های تقلیدی در مناطق غیرزیدی را داشته باشند. همچنین باید گفت، انصارالله به شدت با فعالیت‌های زیدی که تنها در مناطق تاریخی مذهب زیدی در یمن فعال بودند، مخالف است و پس از مرگ قاضی اسماعیل العمرانی، رهبر این تفکر در سال گذشته میلادی، خبری از تحرکات این گرایش منتشر نشده است. نکته قابل ذکر دیگر، امکان توسعه نوع رفتار انصارالله با سلفی‌های تقلیدی در مناطق سنی‌نشین تحت کنترل خود به مناطق و گرایش‌های دیگر است. سلفی‌های جامی در مناطق دیگر یمن از جمله سواحل غربی دریای سرخ و بخشی از استان‌های جنوبی فعال هستند. همچنین سنی‌های شافعی و گرایش‌های فرعی همانند صوفیان باعلوی فعال در یمن، استعداد بیشتری برای برقراری چنین توافقاتی دارند.

منابع

- احمد، ایمان (۲۰۱۶/۰۱/۱۶). موقع معهد المصرى للدراسات: تطورات الوضع اليمنى ومواقف الإخوان المسلمين. قابل بازیابی در: <https://eipss-eg.org>
- احمدی، عبدالهادی (۱۳۹۹). در سنامه آشنایی با وهابیت و سلفیت. قم: انتشارات زمزم هدايت.
- البقمی، راجح بن سلطان (۱۴۳۶ق). بدرالدین الحوثی و آراءه العقديیه. مکه: جامعه ام القرى.
- الجزیره، موقع الجزیره: هدوء بصنعاء بعد سيطرة الحوثيين على مطار سيادية، ۲۰۱۴/۰۲/۲۹. قابل بازیابی در: www.aljazeera.net/news/arabic/2014/9/22
- جزیلان، عبدالله (۱۹۸۷). التاريخ السر للثورة اليمنية من سنة ۱۹۵۶ الى سنة ۱۹۶۲. بیروت، العصر الجديد.
- جمعیة الحکمة، موقع الرسمى لجمعیة الحکمة الیمانیة الخیریة، دیده شده در ۲۰۲۳/۰۲/۰۶. قابل بازیابی در: www.alhikma-ye.com
- جولوبوفسکایا، ایلینا (۱۹۸۲). ثورة ۲۶ سبتمبر فی اليمن. ترجمه قاند محمد طربوش. بیروت: دار ابن خلدون.
- الجهنی، مانع بن حماد (۱۴۲۰ق). الموسوعة المیسره فی الأديان و المذاهب و الأحزاب المیسره. ریاض: دار الندوه العالمیه للطباعه و النشر و التوزیع.
- الحکیم، بلال محمد (۲۰۱۷). اليمن، من الربیع الثوره إلى خریف العدوان. صنعاء: رقم الايداع بدار الكتب الوطنیه.
- الحوثی، بدرالدین (۲۰۱۶). الجوث السلیده و الاجوبه المفیله. صنعاء: مجلس الزیدی الاسلامی.
- الحوثی، سید حسین (۲۰۱۰). ملازمات. یحیی قاسم ابوعواضه. صعده.
- خشافه، احمد (۲۰۲۱/۱۲/۰۷). موقع مرکز صنعاء للدراسات الاستیراتیجیة، اتفاقیات التعایش بین الحوثیین و السلفیین: الدوافع و آفاق المستقبل. قابل بازیابی در: sanaacenter.org/ar/publications-all/analysis-ar/15884
- الدغشی، احمد محمد (۲۰۱۴). السلفیه فی اليمن. قطر: مرکز الجزیره للدراسات.
- الدوسری، نایف بن سعید (۱۴۳۲ق). الحركه الحوثیه_دراسه منهجیه شامله. دار الصحوه العالمیه للطباعه و النشر.
- ذیبان، عبدالله قاسم هادی (۲۰۱۶). تسهیل بدایه المجتهد و نهایه المقتصد. صنعاء.
- رجب، علی (۲۰۱۹/۱۲/۲۹). موقع بوابة الحركات الاسلامیة: الإخوان المسلمون فی اليمن (تاریخ من التحالفات و الغدر). قابل بازیابی در: www.islamist-movements.com/2699
- ریدل، بورس (۲۰۲۳/۰۱/۲۷). موقع بروکینگز: *The Houthis after the Yemeni cease-fire*. قابل بازیابی در: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2023/01/27/the-houthis-after-the-yemeni-cease-fire/>
- سام ابوالمجد (۲۰۲۱/۰۷/۰۷). موقع صحیفه الاستقلال: القاضی العمرانی ... مفتی اليمن و "صاحب الطرفة" الذی ضیق علیه الحوثیون. قابل بازیابی در: www.alestiklal.net/ar/view/9178/dep-news-1624922519
- شرفی، عبدالمجید (۱۳۹۷). انسان و اسلام سپید. ترجمه سمیه سادات طباطبایی. تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۳). جنبش انصارالله یمن. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).

- شيخ حسيني، مختار (٢٠٢١م). أسس الفكر السياسي لحسين الحوثي (مؤسس حركة أنصار الله اليمنية). *الفكر السياسي الاسلامي*، (١): ص ١٦٣-١٨١.
- صبري، عبدالله علي (٢٠٢٠). *نون وما يعصفون*. صنعاء: الإتحاد الإعلانيين اليمنيين.
- الكرامي، احمد الطرس (٢٠٢١/١٢/١٩). موقع مركز صنعاء للدراسات الاستراتيجية: الأمير والشيخ: محاولات تنظيم القاعدة للاندماج في النظام القبلي اليمني. قابل بازيابي در: sanaacenter.org/ar/publications-all/analysis-ar/16023
- عزّان، محمد يحيى (٢٠٠٧/٠٤/١٠). موقع الجزيرة: محمد يحيى عزّان. تنظيم الشباب المومن باليمن. قابل بازيابي در: www.aljazeera.net/programs/today-interview/2007/4/10
- عماد، عبدالغني (٢٠١٣). *الحركات الإسلامية في الوطن العربي*. بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، ج ١.
- عمادي، سيد محمد مهدي (١٣٩٤). *جريان سلفي زيدي*. قم: دارالاعلام لمدرسة اهل بيت (ع).
- فرمانيان، مهدي؛ معيني فر، محمد (١٣٩٥). *سلفيه از گذشته تا حال*. قم: انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب.
- المركز العربي للابحاث و الدراسات (٢٠١٣). *حرب الدماغ إعانه الحوار الوطني وإفشال المرحلة الانتقاليه بتهديد*. الدوحه.
- المويدى، مجدالدين المويدى (١٩٩٨). *مجمع الفوائد المشتمل على بغية الرائد و ضاله الناشد*. صنعاء: دارالحكمه اليمانيه.
- Lobell, S. E. (2010). *Structural realism/Offensive and defensive realism*. In: Robert A. Denemark. *The international studies Encyclopedia*, Vol. X. London: Willey-Blackwell.
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Mass: Addison-Wesley.